

The impact of the Corona outbreak on the national government in the age of globalization

Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi¹

Mahdi Khanalizadeh²

Abstract

In recent years, the Globalization approach has become a powerful theory in International Relations discussions and has kept out the National States theories but spreading of coronavirus pandemic in recent months and involving all countries and international organizations around the world, challenged globalization and its beliefs. The main issue and questions about this event is how it will influence National State theory and how we can reach a clear result about globalization challenges. The most of articles have published in recent days, discuss about empowering the national state theory by this pandemic. COVID-19 recalls the vital role of States for watching and looking after their citizens' needs; especially in security and daily needs and also, failure of international organizations in this case. In this pandemic, national states performance was better than International Organizations like European Union (EU) or World Health Organization (WHO). This effective performance on struggle with the pandemic, revives national state importance in international relations theories and will change some parts of international economic and political structure. It seems Realistic theories in international relations will be more validated and globalists have to answer lots of questions about this failure in protecting people all around the world against the coronavirus pandemic.

Key words: State; Globalization; Nationalism; International System; Coronavirus

¹ Prof. of International Relations at Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Jdehghani20@yahoo.com

² PhD Candidate of International Relations at Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

M.khanalizadeh@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

دانش تفسیر سیاسی Knowledge of political interpretation

سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۴۰۲ Vol 5, No 15, Spring 2023

صفحات ۱۱۳-۱۳۳ ppt 113-133

تأثیر شیوع کرونا بر دولت ملی در عصر جهانی شدن

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۱

مهدی خانعلی زاده^۲

چکیده

رویکرد «جهانی شدن» در سال‌های اخیر به یکی از مفروضه‌های بنیادین علم روابط بین‌الملل تبدیل شده و نظریه‌های مبتنی بر دولت‌های ملی را به حاشیه رانده است. با این حال، برخی از رویدادهایی که در ماه‌های گذشته و با همه‌گیری ویروس «کووید ۱۹» و تبدیل آن به یک بیماری فراگیر رخ داده، این روند را با چالش و سؤالاتی روبرو کرده است. مساله مدنظر بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل این است که نحوه تأثیر این اپیدمی بر جایگاه دولت ملی چیست و چگونه می‌توان به یک نتیجه مشخص درباره‌ی جهانِ پساکرونا رسید. آن چیزی که محور مشترک بسیاری از نظریات ارائه‌شده در ماه‌های اخیر است، این رهیافت است که همه‌گیری ویروس کرونا، به صورت واقع‌گرایانه، قدرت و جایگاه دولت‌های ملی برای تامین نیازهای شهروندان را احیا کرد و موفقیت دولت‌های ملی و ناکامی ساختار جهانی شده در مهار این بیماری، می‌تواند ساختار نظام بین‌الملل در برخی از حوزه‌های سیاسی و اقتصادی را به سمت مفاهیم معتبر در میان نظریات واقع‌گرایانه‌ی جهانی شدن سوق دهد.

واژگان کلیدی: دولت، جهانی‌شدن، ملی‌گرایی، نظام بین‌الملل، کرونا

^۱استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

^۲دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

M.khanalizadeh@atu.ac.ir

مقدمه

مجادله بر سر سرنوشت دولت ملی، یکی از جدی‌ترین مباحثات در میان نظریه‌های مختلف جهانی‌شدن بوده است. لیبرالیسم و نظریه‌های لیبرال جهانی‌شدن در دو رهیافت کلی جهان‌گرایی رادیکال و تحول‌گرایی یا جهان‌گرایی معتدل قرار می‌گیرند. لیبرال‌های خوش‌بین بر این باورند که جهانی‌شدن ماهیت روابط بین‌الملل و نظام بین‌الملل را اساساً تغییر داده است. جهانی‌شدن باعث ظهور و نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی و فراملی در سطح جهانی می‌شود که به معنای تضعیف و کاهش نقش دولت و به تبع آن روابط بین‌الملل مبتنی بر دولت محوری است و جهان به صورت شبکه درهم‌تنیده‌ای از روابط بین بازیگران فرو ملی، ملی و فراملی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵:۱۵۰)

در سوی مقابل، واقع‌گرایی برخلاف لیبرالیسم، هرگونه تغییر و تحول بنیادین در ماهیت نظم بین‌المللی، روابط بین‌الملل، نقش و کارکرد دولت در آن را انکار می‌کند. واقع‌گرایان استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن چیزی بیشتر و فراتر از وابستگی متقابل نیست. باوجود افزایش وابستگی متقابل بین کشورها و نقش بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جهان از آنچه در قرن نوزدهم بود، جهانی‌تر نشده است. به نظر آنان، هنوز هم مهم‌ترین بُعد و ویژگی اقتصاد بین‌الملل عمدتاً مبادله‌ی میان اقتصادهای ملی نسبتاً مستقل و متمایز از یکدیگر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵:۱۵۱ و ۱۵۲) بنابراین، ماهیت و کارکرد و اقتدار سیاسی دولت به هیچ وجه منسوخ نشده است و در اکثر حوزه‌های سیاست بین‌الملل، دولت‌های دارای حاکمیت همچنان اقتدار خود را حفظ کرده و بازیگران اصلی به شمار می‌روند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵:۱۵۲)

بحران همه‌گیری ویروس کرونا در ماه‌های انتهایی سال ۲۰۱۹ میلادی در جهان، دوباره مناظره قدیمی رئالیسم و لیبرالیسم در مورد سرشت، کارکرد و سرنوشت دولت ملی در عصر جهانی‌شدن را احیا کرده است. لیبرال‌ها ادعا می‌کنند که بحران کرونا تغییر بنیادینی در نظم بین‌المللی لیبرال مبنی بر نقش‌آفرینی و کارکرد حداقلی دولت ملی ایجاد نمی‌کند

(Nye, 2020) در طرف مقابل، واقع‌گرایان بر پایه سنت دیرینه دولت محوری خود، استدلال می‌کنند که در اثر این بحران، جهانی‌شدن لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل تضعیف شده است؛ به گونه‌ای که دولت ملی و قدرت و کارکردهای آن احیا و تقویت شده است؛ بر پایه منطق خودپرستی و استقلال دولت‌ها، با وجود ضرورت همکاری‌های بین‌المللی، آن‌ها در دستیابی به آن ناکام مانده‌اند. (جرویس، ۱۳۹۹)

بر این اساس، پرسش اصلی این است که همه‌گیری ویروس کرونا در جهان، چه تاثیری بر نقش و کارکردهای دولت ملی داشته است؟ پاسخ موقت به این سوال، به عنوان فرضیه آن است که بحران کرونا، از طریق تضعیف جهانی‌شدن لیبرال، تقویت ملی‌گرایی سیاسی و مرکانتلیسم اقتصادی (حمایت‌گرایی اقتصادی)، دولت ملی و کارکردهای آن را احیا و تقویت کرده است. از این‌رو، شیوع کرونا متغیر مستقل، تضعیف جهانی‌شدن لیبرال، تقویت ملی‌گرایی سیاسی و مرکانتلیسم اقتصادی متغیرهای واسطه‌ای و احیا دولت ملی و کارکردهای آن متغیر وابسته هستند.

چارچوب نظری: نوواقع‌گرایی

جهانی‌شدن یکی از فراگیرترین و پرکاربردترین مفاهیم و اصطلاحات در روابط بین‌الملل است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵:۱۴۲) در یک تلقی، جهانی‌شدن به صورت یک وضعیت نهایی تحقق‌یافته تعریف می‌شود که همه‌ی اهداف، شرایط و معیارهای از پیش تعیین‌شده آن برآورده شده است. در این تصور و برداشت، منظور گلوبالیته^۱ است که به عنوان یک وضعیت بر وجود مجموعه‌ای از شرایط دلالت دارد که جهانی‌شدن به بار آورده است. از بین رفتن مرزهای جغرافیایی، سرزمین‌زدایی از روابط بین‌الملل، روابط فوق ملی و فراملی و در فرجام، تضعیف و از بین رفتن دولت - ملت به عنوان مرجع وفاداری‌های انسانی، در کانون گلوبالیته قرار دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵:۱۴۳)

¹ Globality

باورمندان لیبرال به اندیشه‌ی جهانی شدن معتقدند که جهان ابتدای قرن بیست و یکم، جهانی است که هیچ فرد یا جامعه‌ای نمی‌تواند حصار دور خود کشیده و از آن دوری گزیند. هویت‌ها، منافع، امنیت، فعالیت‌های اقتصادی، ایده‌ها، اندیشه‌ها و هنرها همگی از دایره‌ی بسته‌ی مرزهای جغرافیایی خارج شده و در گستره‌ای به وسعت جهان ظهور می‌یابند. در حوزه‌ی اقتصاد و تجارت که همه‌ی مباحث به‌نوعی به فرایندهای جهانی مربوط می‌شود و در حوزه سیاست هم از رژیم‌های جهانی امنیتی و بسط جهانی حقوق بشر و دموکراسی یا چالش‌های جهانی مانند بنیادگرایی، تروریسم و محیط‌زیست صحبت می‌شود. (سلیمی، ۱۳۸۴: ۱ و ۲)

در طرف مقابل، نواقح‌گرایی یکی از دوشاخه‌ی مهم رهیافت شکاک و بدبین به جهانی شدن است. این نظریه هرگونه تغییر و تحول بنیادین در ماهیت نظم بین‌المللی، روابط بین‌الملل، نقش و کارکرد دولت در آن را انکار می‌کند. واقع‌گرایان استدلال می‌کنند که جهانی شدن چیزی بیشتر و فراتر از وابستگی متقابل نیست اما باوجود افزایش وابستگی متقابل بین کشورها و نقش بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جهان از آنچه در قرن نوزدهم بود، جهانی‌تر نشده است. به نظر آنان، هنوز هم مهم‌ترین بُعد و ویژگی اقتصاد بین‌الملل، عمدتاً مبادله‌ی میان اقتصادهای ملی نسبتاً مستقل و متمایز از یکدیگر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۵۲) بنابراین اگرچه امروز بیش از هر زمان دیگر، وسعت، سرعت، حجم، تراکم و شدت مبادلات و ارتباطات بین کشورها در سطح جهانی افزایش یافته است، ماهیت و کارکرد و اقتدار سیاسی دولت به هیچ وجه منسوخ نشده است؛ چون جهانی شدن عمدتاً ماهیت اقتصادی دارد و در حوزه سیاست بین‌الملل رخ نداده است. در اکثر حوزه‌های سیاست بین‌الملل، دولت‌های دارای حاکمیت همچنان اقتدار خود را حفظ کرده و بازیگران اصلی به شمار می‌روند. (Held and McGrew, 2007: 6-8 به نقل از دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۵۲)

بر اساس این نظریه، دولت‌ها همچنان بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل هستند؛ چه مسائل داخلی و چه مسائل بین‌المللی؛ چه اقتصاد و چه سیاست به طور عمده به وسیله دولت - ملت‌ها شکل داده می‌شود. دولت‌ها ظرفیت و توانایی دگرگونی خود را دارند. برعکس پیش‌بینی برخی اندیشمندان، دولت‌های سرزمینی چندان زود دفن نشدند و سیاست و اقتصاد در سرزمین‌های مختلف همچنان در دست دولت - ملت‌هاست. دولت‌ها همچنان انتخاب‌ها و امکانات بسیاری را در پیش رودارند که می‌توانند آن‌ها را با تحولات فناورانه و اقتصادی - اجتماعی جدید منطبق و سازگار کنند. در نظام‌های سیاسی فدرال، یک حُسن وجود دارد و آن اینکه اگر یک ایالت در سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی خود موفق شد، بقیه ایالات می‌توانند برنامه‌ی او را تکرار کنند و اگر شکست خورد، دیگران از آن اقدام اجتناب می‌کنند. دولت‌ها هنوز کارکردهای اساسی و جوهری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را انجام می‌دهند که هیچ سازمان رقیب دیگری قادر به انجام آن نیست. (سلیمی، ۱۳۸۴: ۱۳۰ و ۱۳۱)

به طور کلی واقع‌گرایان بر این باورند که جهان شاهد احیا و بازگشت دولت ملی و تقویت قدرت آن خواهد بود و جهانی‌شدن لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل تضعیف خواهد شد. به‌رغم ضرورت همکاری‌های بین‌المللی، دولت‌ها بر پایه منطق خودپرستی و استقلال، در دستیابی به آن ناکام خواهند ماند. واقع‌گرایان از گذشته نیز منتقد جهانی‌شدن لیبرال بوده و استدلال می‌کردند که وابستگی متقابل نمی‌تواند ماهیت آنارشیک نظام و سیاست بین‌الملل را تغییر دهد زیرا به همان میزان که منافع دارد، آسیب‌پذیری کشورها را نیز افزون می‌کند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹)

در همین راستا اندیشمندان واقع‌گرای روابط بین‌الملل معتقدند که همه‌گیری ویروس کرونا باعث تقویت و قدرت یافتن مجدد دولت‌ها و ملی‌گرایی خواهد شد. دولت‌ها با ساختارهای متفاوت، اقدام به تقویت اقدامات ملی‌گرایانه به منظور رفع بحران می‌کنند و

این قدرت یافتن نهادهای ملی، پس از بحران هم ادامه خواهد داشت. قدرت در نظام بین‌الملل همچنین با سرعت زیاد به سمت شرق خواهد رفت؛ آن‌هم پس از مدیریت بسیار خوب چین در برابر مدیریت آشفته‌ی اروپا و آمریکا که برند غرب را خراب کرد. برخلاف همه‌گیری آنفلوانزا در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ که موجی از همکاری‌های بین‌المللی را رقم زد، ویروس کووید ۱۹ باعث یک بازخوانی در مبانی «جهانی‌شدن» شد؛ تا جایی که شهروندان در هر کشور، دولت ملی را موظف به تامین حراست و حفاظت از خود در برابر ویروس کرونا می‌دانند و توجهی به نهادهای جهانی ندارند. (Walt, 2020)

در مجموع می‌توان گفت که بحران کرونا هر چهار مؤلفه ساختاری، کارگزاری، هنجاری - نهادی و الگوی تعامل که مقوم نظم و نظام بین‌الملل موجودند را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به گونه‌ای که در سطح کارگزاری، اولاً ماهیت نظام‌های سیاسی و شیوه حکمرانی لیبرال در معرض دگرگونی است. ثانیاً بازیگران و قدرت‌های جدیدی خارج از غرب ظهور خواهند کرد. در نتیجه در سطح ساختاری، ساختار مادی نظام بین‌الملل به معنای چگونگی آرایش و چینش واحدها نیز دستخوش تغییر و تحول خواهد شد. در سطح هنجاری - نهادی نیز ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای لیبرالی مبتنی بر لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی مشروعیت بخش به نظام بین‌الملل مستقر تضعیف و متحول خواهد شد. سرانجام، الگوی تعاملات به معنای الگوی های دوستی، دشمنی، رقابت و همکاری بین بازیگران بین‌المللی دگرگونی و دگرگون خواهد شد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹)

ویژگی‌ها و کارکردهای دولت ملی

اصلی‌ترین عنصر دولت مدرن، پیش از آنکه دولت - ملت‌ها در عرصه‌ی جهانی شکل بگیرند، وجود عنصر حاکمیت و نیز هویت شکل‌گرفته در درون سرزمین است. حاکمیت - آن گونه که ژان بُدن فرانسوی آن را نظریه‌پردازی می‌کند - ویژگی دولت‌های جدید است که به معنای اقتدار عالی، مطلق و متداوم حکومت در درون سرزمین‌های معین است.

دولت‌ها در درون مرزهای معین، دارای عالی‌ترین مقام هستند و چه در عرصه‌ی داخلی و چه در سطح بین‌المللی هیچ مقام و مرجعی بالاتر از آن‌ها وجود ندارد. (سلیمی، ۱۳۹۳: ۶۶ و ۶۷) این مفهوم از حاکمیت، با عهدنامه‌ی وستفالی محقق و در عالم واقعیت پدیدار شد و تا قرن بیستم نیز معتبر باقی ماند. دولت واحد سیاسی مبتنی بر سرزمین است که با تصمیم‌گیری محوری و ماشین اجرایی (حکومت) مشخص می‌شود. دولت از نظر قانونی، حاکم است؛ به این معنا که شناسایی‌اش نه به مافوق خارجی و نه به مافوق داخلی منوط است. دولت در جهان متشکل از دیگران وجود دارد و به صورت مشابه با واحدهای سیاسی سرزمینی مشخص می‌شود. (براون و آینلی، ۱۳۹۱: ۹۶)

از نظر واقع‌گرایان، کارکرد دولت‌ها مشابه و یکسان است. اینکه گفته می‌شود دولت‌ها شبیه به هم هستند، بدین معنی است که هر دولت همچون سایر دولت‌ها، واحد سیاسی مستقل و خودمختار بوده و یا به عبارت دیگر دارای حاکمیت است. البته دارا بودن حاکمیت به این معنی نیست که هر دولت می‌تواند هر کاری که بخواهد انجام دهد و محدود نیست یا تحت تاثیر دیگران قرار نمی‌گیرد؛ بلکه بدین معنی است که دولت خود تصمیم می‌گیرد با مسائل داخلی و خارجی خویش چگونه برخورد کند. از جمله اینکه درخواست کمک کند و از این طریق با دادن تعهداتی، آزادی خود را محدود کند. با این وجود، دولت‌ها از نظر توزیع توانایی‌ها متفاوت‌اند؛ یعنی اندازه، ثروت، قدرت و شکل آن‌ها باهم متفاوت است. به بیان دیگر، دولت‌ها از نظر وظایفی که برعهده دارند، شبیه یکدیگرند. (رضایی اسکندری، ۱۳۸۳)

معمولاً از دولت‌ها انتظار می‌رود چند ارزش اساسی را در جامعه تأمین کنند: امنیت، نظم، عدالت و رفاه. اینها ارزش‌های اساسی هستند که دولت در تأمین آن‌ها خود را مدعی اصلی نشان داده است. از لحاظ سیاست جهانی، مبحث دولت از این لحاظ جالب است که وظیفه‌اش ایجاد نظم و عدالت است. همین ایفای کارکردهای اساسی توسط دولت - ملت

است که به آن وزن و اهمیتی بی‌رقیب در عرصه سیاست بین‌الملل بخشیده است. (قوام و زرگر، ۱۳۸۷)

امنیت از مقوله‌های اساسی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به نحوی ملموس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون تلاش در جهت ایجاد آن در حیات انسانی، منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی شده است. بشر از آغاز ورود به پهنه‌ی هستی، با معمای امنیت روبرو شد؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری، یعنی زندگی به شمار می‌آید؛ بنابراین مهم‌ترین نیاز هر جامعه را می‌بایست تأمین امنیت آن جامعه و افراد دانست. تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه، از جمله مهم‌ترین ابزارها و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. اندیشمندان سیاسی برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به طور کلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. در واقع از گذشته‌های دور تاکنون، کار ویژه‌ی اصلی، اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است. (رهبر و سوری، ۱۳۹۵)

به موازات تثبیت جهان مبتنی بر واحدهای ملی مستقل در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، موضوع توسعه و رفاه به گفتمان مسلط بر محافل آکادمیک و سیاسی و اقتصادی بدل گردید. بر همین مبنا، دولت به مثابه یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای جامعه مدرن در زمینه رفاه و توسعه در نظر گرفته می‌شود. (کتابی و کلانتری و افشار کهن، ۱۳۹۴)

به طور کلی می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که تأمین امنیت و رفاه شهروندان در کنار ایجاد یک سازوکار عادلانه و منظم برای رسیدگی به امور اجتماعی، به عنوان کارکرد اصلی دولت‌های ملی معرفی می‌شود.

اپیدمی کرونا و احیای جایگاه دولت ملی

در ماه دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، مقامات محلی در شهر ووهان^۱ چین اعلام کردند پس از اینکه شهروندان این منطقه بدون علت مشخصی، دچار سینه پهلو شدند و واکسن و درمان‌های موجود موثر واقع نشد، نوع جدیدی از ویروس^۲ سندرم حاد تنفسی^۳ را شناسایی کرده‌اند. «کووید ۱۹»^۴ نامی بود که سازمان بهداشت جهانی با اعلام رسمی همه‌گیری جهانی، برای این ویروس انتخاب کرد؛ ویروسی که در رسانه‌ها با عنوان «کرونا»^۵ مطرح شد.

همه‌گیری^۶ ویروس کرونا، مانند فروپاشی دیوار برلین یا سقوط سهام بانک برادران لمن^۷، یک رویداد جهان فرو پاشنده بود؛ رویدادی که تأثیرات بین‌المللی آن تا سال‌ها باقی می‌ماند و روندهای جهانی را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به صورت بنیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Foreign Policy, 2020) در این میان، یکی از مفاهیم و روندهایی که با چالش جدی روبرو شد، جهانی شدن است. گسترش ویروس کرونا در جهان سبب شد تا پایه‌های اصلی جهانی شدن در سیاست و اقتصاد با اتهام ناکارآمدی روبرو شوند و در مقابل، گرایش به سمت احیای دولت ملی شدت بگیرد.

سرزمین چین که به عنوان منشاء گسترش این ویروس شناخته شد، حدود سه ماه بعد توانست با «اعمال قوانینی حاکمیتی ملی» که هیچ ارتباطی با ارزش‌های «جهانی شده» نداشت و به طور جدی در تضاد با آن بود، «امنیت» و «رفاه» شهروندانش را تامین کند؛ یعنی کارکردهای دولت ملی در این زمینه احیا شد.

^۱ Wuhan

^۲ SARS-COV

^۳ COVID-19

^۴ Coronavirus

^۵ Pandemic

^۶ Lehman Brothers

دولت چین پس از دو ماه قرنطینه‌ی سفت‌وسخت مرکز شیوع این بیماری در استان «هوبی»، موارد ابتلا و مرگ‌ومیر جدید ناشی از این ویروس را تک‌رقمی کرد و با بهبود و مرخصی بیماران، بسیاری از مراکز ویژه درمان و بستری بیماران کرونایی را در این استان، تعطیل کرد. (آقازاده، ۱۳۹۹) این دستاورد بزرگ در حالی توسط دولت ملی چین کسب شد که کشورهای اروپایی و همچنین ایالات متحده آمریکا در همان زمان با روند گسترش جدی اپیدمی در خاک خود مواجه بودند و سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی و ارزش‌های جهانی شده، نتوانست به کنترل این ویروس کمک کند.

سیاست مهار با مشت آهنین و بدون ملاحظه و مسامحه‌ی دولت ملی در چین، تحسین جهانیان را برانگیخت و کسی از چین بابت به‌کارگیری سیاست مشت آهنین در سرکوب ویروس کرونا انتقاد نکرد. فراتر از این، دموکراسی‌های غربی که با افزایش تعداد بیماران و مرگ‌ومیر شهروندان خود روبرو شدند، بر خلاف انتقادهای تاریخی خود از سیاست‌های سرکوب‌گرایانه حزب حاکم کمونیست چین، با رشک و تحسین به الگوی مدیریتی و حکمرانی چین نگاه کردند. (آقازاده، ۱۳۹۹) در واقع تقویت عنصر حاکمیت دولت ملی با مدیریت موفق چین در مهار ویروس کرونا در حالی صورت گرفت که نظام لیبرال دموکراسی و بازار آزاد جهانی به دنبال بازبینی و تغییر در اصول بنیان‌های نظری خود بود. برخی از اقداماتی که دولت ملی در چین برای تامین امنیت شهروندان خود انجام داد و قابلیت اجرایی شدن در فضای «جهان شدن» را نداشت، به شرح زیر است:

- ۱) تست رایگان و فراگیر کرونا برای همه‌ی شهروندان
- ۲) ساخت فوری بیمارستان‌های اضطراری با استفاده از کارگران اجباری به صورت شبانه‌روزی
- ۳) تعویق و تعطیلی رسیدگی‌های غیرضروری پزشکی و ممانعت از فعالیت عادی پزشکان در سراسر کشور

- ۴) عدم تعلیق سفر قطارها به شهر «ووهان» به عنوان هسته‌ی اصلی انتقال ویروس کرونا
- ۵) طراحی کلینیک‌های سیار ملی برای تب‌سنجی شهروندان
- ۶) اجبار تمامی پرسنل پزشکی بیمارستان‌ها به تمرکز بر روی درمان کرونا
- ۷) استفاده از فناوری برای تحت تعقیب قرار دادن افراد به منظور شناسایی مبتلایان احتمالی (مانند دستبند الکترونیکی)
- ۸) توزیع رایگان و همگانی غذا و محصولات بهداشتی برای همه‌ی شهروندان در قرنطینه
- ۹) اجبار افراد در مشاغل مختلف برای تغییر شغل به منظور کمک‌رسانی به بیماران کرونایی (Businessinsider, 2020)

در طرف مقابل، از آنجایی که «حق بهداشت و سلامت عمومی و رایگان» در نظام جهانی شده، تبدیل به کالایی اقتصادی و درآمدزا در رقابت شرکت‌های خصوصی داخلی و خارجی شده، مبارزه با ویروس کرونا برای ساختارهای جهانی به عملی «غیراقتصادی» تبدیل شد که مفهوم رقابت را در تضاد با امنیت و رفاه شهروندان قرار داد؛ یعنی ساختار بازار جهانی، توانایی تامین امنیت شهروندان را ندارد. بر همین اساس، برخی از اندیشمندان غربی توصیه کردند تا جهان از رویکرد دولت ملی چین در مهار ویروس کرونا به منظور تامین امنیت شهروندانشان درس بگیرد. (Nature, 2020)

اما دولت چین تنها دولت ملی‌ای نبود که توانست عملکرد مثبتی در برابر کنترل اپیدمی کرونا داشته باشد و برخی دولت‌های منطقه‌ی اسکاندیناوی هم در حفاظت از امنیت و رفاه شهروندان خود، موفق عمل کردند. «فلاندا»، «دانمارک» و «ایسلند» از جمله دولت‌های ملی بودند که با وجود همه‌گیری بالای ویروس کرونا در قاره اروپا توانستند کمترین آمار مرگ‌ومیر شهروندان را به خود اختصاص دهند.

سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی دولت فنلاند در زمینه مقابله با ویروس کرونا، با حمایت ۸۵ درصدی افکار عمومی این کشور روبه‌رو شد و در این کشور پنج و نیم میلیون نفری، کمتر از ۱۰۰ شهروند قربانی ابتلا به ویروس کرونا شدند. کشور ایسلند هم که ۳۶۰ هزار نفر جمعیت دارد و در شمال بریتانیا واقع شده، از ابتدای شیوع ویروس کرونا اقدام به آزمایش گسترده و تصادفی این ویروس کرد. این اقدام به این دلیل انجام شد که بر اساس اعلام سازمان بهداشت جهانی، حدود نیمی از مبتلایان به ویروس کرونا هیچ علامت ظاهری‌ای ندارند. بر همین اساس، دولت ایسلند در اوایل همه‌گیری، با ردیابی تماس‌های افراد و قرنطینه کردن موارد مشکوک به کرونا، برای کنترل آن وارد عمل شد. (روزنامه شرق، ۱۳۹۹) این اقدامات دولت ملی در جزیره‌ی ایسلند سبب شد تا برخلاف همسایه‌ی جنوبی، آمار مبتلایان به کرونا در این کشور بسیار کم باشد. در واقع رویکرد دولت‌های فنلاند و ایسلند در حفاظت از امنیت و رفاه شهروندان هم موید احیای کارکردهای دولت‌های ملی در قرن بیست و یکم بود.

از سوی دیگر، نهادهای جهانی که بر اساس «نظریات همگرایی» در روابط بین‌الملل شکل گرفته بودند و قرار بود با انتقال برخی از اختیارات دولت‌های ملی به آن‌ها، مسئولیت تامین امنیت و رفاه شهروندان را برعهده بگیرند (اسکندریان، ۱۳۸۲: ۱۱ و ۱۲)، با ناکارآمدی جدی روبرو شدند و اساساً ساختار فراملی به آن‌ها اجازه‌ی تصمیم‌گیری برای شهروندان در کشورهای مختلف را نداد. «اتحادیه اروپا» نمونه‌ی جدی یک سازمان فراملی بود که حتی در سال‌های پایانی قرن بیستم و ابتدایی قرن بیست‌ویکم به سمت تبدیل به «ایالات متحده اروپا» هم پیش رفت و تلاش شد تا «شهروندان ملی» را به «شهروندان اروپا» تبدیل کند (خانعلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۱) اما در همه‌گیری ویروس کرونا در جهان، این سازمان که یکی از نمادهای اصلی «جهانی‌شدن» است، نه تنها نتوانست اقدامی در راستای تامین منافع ساکنین کشورهای اروپایی بردارد، بلکه به دلیل عدم حمایت از کشور ایتالیا - که اسفبارترین وضعیت انسانی در مرگ‌ومیر مبتلایان را در میان کشورهای جهان داشت - در

بحران کرونا، به کانون ابراز خشم شهروندان ایتالیایی بدل شد و ویدئوهای آتش زدن پرچم اتحادیه اروپا توسط مردم این کشور، در شبکه‌های اجتماعی ترند^۱ شد.

کاهش اعتبار بازار آزاد بین‌المللی در حوزه اقتصاد هم یکی دیگر از پیامدهای همه‌گیری ویروس کرونا بود. از ابتدای قرن ۱۹ میلادی و با قدرت گرفتن علم اقتصاد و پیدایش اقتصاددانان کلاسیک، مسأله‌ی خودکفایی به عنوان یک راهبرد اقتصادی ملی به حاشیه رفت و اقتصاددانانی مانند دیوید ریکاردو^۲ اثبات کردند که تجارت و دادوستد در بازار آزاد بین‌المللی به‌جای تاکید بر تولید ملی و خودکفایی، باعث افزایش رفاه برای هر دو سو خواهد شد. موضوع جالب این بود که آن‌ها نشان دادند حتی اگر در کشوری امکان تولید ارزان‌تر همه‌ی کالاها نسبت به کشور دیگری وجود داشته باشد، باز هم همچنان امکان رسیدن به رفاه بیش‌تر برای آن‌ها ممکن است. (آفتاب، ۱۳۸۷)

شیوع ویروس کرونا در جهان باعث شد تا برخی کالاها ی بهداشتی نظیر ماسک، دستکش پلاستیکی، ژل ضد عفونی‌کننده و دستمال کاغذی، تبدیل به اجناسی کمیاب و حتی نایاب شوند و همین مسأله، بهداشت عمومی و جان شهروندان را به خطر انداخت. نکته‌ی قابل توجه در این میان، موفقیت دولت‌هایی بود که توصیه‌های «جهانی‌شدن» در اقتصاد را جدی نگرفته بودند و بدون توجه به سخنانی نظیر اینکه «برخی کشورها در تولید و ساخت ماسک و سایر اقلام بهداشتی، مزیت ندارند و در صورت نیاز می‌توانند این اجناس را با بهترین کیفیت و مناسب‌ترین قیمت از بازار آزاد جهانی تهیه کنند»، اقدام به تقویت زیرساخت‌های تولیدی ملی خود در این زمینه کرده بودند. در واقع، بازار آزاد جهانی در شرایط بحران که نیاز اساسی به این کالاها وجود داشت، مشتریان را ناکام گذاشت و اسطوره‌ی بهینه‌ترین حالت «عرضه - تقاضا» در فضای جهانی شده را زیر سوال برد.

¹ Trend

² David Ricardo

علاوه بر این، وابستگی برخی کشورها به واردات در حوزه‌های مختلف - از جمله اقلام ضروری مانند مواد غذایی - سبب شد تا در زمانی که بستن مرزهای ملی و توصیه به عدم جابه‌جایی افراد در مناطق مختلف، یکی از اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین اقداماتی بود که دولت‌ها به منظور حفظ جان و امنیت شهروندان خود انجام می‌دادند، این کشورها به منظور تامین نیازهای عمومی خود مجبور به باز گذاشتن مرزها برای واردات و به خطر انداختن امنیت شهروندان خود شدند. کشور کانادا، یک نمونه‌ی مهم در این زمینه است که به دلیل وابستگی جدی در حوزه مواد غذایی به کشور ایالات متحده آمریکا، در اوج شیوع ویروس کرونا در کشور آمریکا هم مجبور شد تا مرز خود با این کشور را برای ورود اجناس و اقلام، باز نگه دارد. (Globalnews, 2020)

اتخاذ این رویکردها از سوی کشورها و سازمان‌های جهانی، بار دیگر سه مفهوم پر تاکید و مشترک واقع‌گرایان در حوزه روابط بین‌الملل - یعنی خودیاری^۱، دولت‌گرایی^۲ و بقا^۳ - را احیا و اهمیت آن را اثبات کرد. بر اساس این تعریف، دولت نماینده‌ی مشروع اراده‌ی جمعی مردم است. مشروعیت دولت همان چیزی است که آن را قادر می‌سازد تا اقتدار را در محیط داخل - همانطور که در لازم‌الاجرا ساختن قانون مشخص است - به کار گیرد. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳:۳۲۴)

باید توجه داشت که بر اساسا یک تعریف عام، نظام بین‌الملل^۴ مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی و بازیگران بین‌المللی متعامل و مرتبط است که از الگوهای رفتاری مشخص و مکرری پیروی می‌کنند که قواعد معینی بر آن حاکم است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴:۱۰۷) از نظر استنلی هافمن، بر اساس این تعریف عام، نظام بین‌الملل عبارت است از

¹ Self Help

² Statism

³ Survival

⁴ International System

یک الگوی روابط میان واحدهای اصلی سیاست جهانی که به وسیله‌ی طیفی از اهدافی که آن‌ها تعقیب می‌کنند و وظایف و کارکردهایی که برآورده می‌سازند و ابزارهایی که برای تامین این اهداف و انجام این وظایف به کار می‌گیرند، تعریف و توصیف می‌شود. (Hoffmann, 1961: 205 به نقل از دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بر همین اساس، وظایف و کارکرد نظام بین‌الملل در عصر «جهانی‌شدن» با همه‌گیری ویروس کرونا با چالش‌های جدی روبرو شد و ابهامات و سوالات فراوانی را درباره‌ی آن ایجاد کرد.

برخی از کارشناسان معتقدند که نظام بین‌الملل، از «جهانی‌شدن با مدل آمریکایی» به سمت «جهانی‌شدن با مدل چینی» حرکت می‌کند. عدم باور مردم آمریکا به جهانی‌شدن و تجارت آزاد بین‌المللی، سبب می‌شود که چین بتواند این رویکرد را با نگاه ملی خود پیش ببرد؛ چراکه رشد اقتصاد ملی چین حاصل برخی همکاری‌های بین‌المللی بوده است. قوت ملی در این کشور تا اندازه‌ای است که گمان می‌کند می‌تواند در هر رقابتی برنده باشد. (Mahbubani, 2020) در حوزه‌ی نظری هم برخی معتقدند که نظام بین‌الملل در کوتاه مدت، دستخوش مناظرات نظری جدی خواهد بود. ملی‌گرایان و مخالفین جهانی‌شدن، به استنادات و دلایل جدید و زیادی برای نظریات خود دست پیدا خواهند کرد و شاهد جدایی راهبردی کشورها از یکدیگر خواهیم بود. (Ikenberry, 2020). آنچه مسلم است، تضعیف رویکرد جهانی‌شدن لیبرال به عنوان یکی از عوامل احیای جایگاه دولت‌های ملی با همه‌گیری ویروس کرونا در جهان است که زمینه را برای مجادلات و مباحثات نظری جدید درباره‌ی ماهیت نظام بین‌الملل در عصر جدید فراهم می‌کند.

نتیجه گیری

پس از شکل‌گیری «دولت مدرن» در سال‌های پس از جنگ‌های سی ساله در اروپا و معاهده‌ی وستفالی و همچنین پس از تکمیل آن به صورت «دولت - ملت» پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی تا سال‌ها همین الگو به عنوان الگوی مطلوب و ممکن در حوزه‌ی روابط بین‌الملل شناخته می‌شد. با این حال و در سال‌های پایانی قرن بیست و یکم، فرایند «جهانی‌شدن» به قدری ناگهانی با سرعت تبدیل به پدیده‌ی بین‌المللی شد که گمان اندیشمندان لیبرال علوم سیاسی و روابط بین‌الملل این بود که ساختار مبتنی بر دولت‌های ملی، خیلی زود از میان می‌رود و باید به منظومه‌های پسا ملی اندیشید.

با شیوع ویروس کووید ۱۹ در جهان، این سوال در میان اندیشمندان روابط بین‌الملل مطرح شد که این اپیدمی چگونه می‌تواند منجر به احیای جایگاه دولت ملی در عصر جهانی‌شدن شود و آیا این مساله، به تقویت انگاره‌های لیبرال درباره جهانی‌شدن می‌پردازد یا به تضعیف آن.

بر همین مبنا، عملکرد موفق برخی دولت‌های ملی - مانند چین و برخی کشورهای اسکاندیناوی در انجام تعهدات خود رد زمینه تامین امنیت و رفاه شهروندان - و ناکامی تقریبی نهادهای بین‌المللی و ساختار جهانی شده - مانند اتحادیه اروپا - در کنترل آن، مجدداً زمینه را برای احیای ساختار وستفالیایی در روابط بین‌الملل فراهم کرد. انتظار شهروندان در هر سرزمین برای حفاظت و حراست از جان آنها، مورد خطاب دولت‌های ملی بود و نه ساختارهای مبتنی بر «جهانی‌شدن» که نه تنها توفیقی در آن نداشتند، بلکه در برخی موارد موجب آسیب دیدن مردم نیز شدند.

دولت‌های ملی با انجام تعهدات خود در قبال تامین «امنیت» و «رفاه» شهروندان خود در برابر همه‌گیری ویروس کرونا، کارکردهای دولت ملی را احیا کردند و در عصر

جهانی‌شدن، جلوتر از نهادهای بین‌المللی به انجام تعهدات خود در قابل شهروندانشان پرداختند.

به طور کلی، همه‌گیری ویروس کرونا یک رویداد جهان‌آباد بود؛ رویدادی که تأثیرات بین‌المللی آن تا سال‌ها باقی می‌ماند و روندهای جهانی را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به صورت بنیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنچه در عصر پساکرونا قابل تصور است، احیای مجدد جایگاه «دولت ملی» و بازنگری در برخی انگاره‌های لیبرال «جهانی‌شدن» - نظیر بازار کاملاً آزاد جهانی و مطلوبیت نظام‌های دموکراتیک- است و زمینه برای تقویت نگاه واقع‌گرایان به مساله جهانی‌شدن نیز آماده‌شده است؛ رویکردی که مجدداً زمینه‌ی گرم شدن تنور منازعات و مباحثات نظری در حوزه‌ی روابط بین‌الملل را فراهم خواهد کرد.

منابع

اسکندریان، مهدی و دیگران. (۱۳۸۲). کتاب اروپا؛ ویژه‌ی اتحادیه اروپا. تهران: ابرار معاصر.

آفازاده، مازیار. (۱۳۹۹). بحران کرونا و تحسین «مشت آهنین چینی». پایگاه خبری عصر ایران. <https://www.asriran.com/fa/news/718966/>

براون، کریس و آینلی، کرستن. (۱۳۹۱). فهم روابط بین‌الملل. ترجمه محمدجواد رنجکش و فاطمه صلواتی طرقی. مشهد: مرنديز.

بوستانی‌فر، حمید. (۱۳۸۷). خودکفایی؛ واژه‌ای منسوخ. پورتال آفتاب آنلاین. https://www.aftabir.com/articles/view/economy_marketing_busines/economy_politic/c2c1212386271_economics_iran_p1.php

بیلیس، جان و اسمیت، استیو. (۱۳۸۳). جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین. ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی. تهران: ابرار معاصر.

جرویس، رابرت. (۱۳۹۹). کرونا باعث تقویت ملی‌گرایی و تضعیف جهانی‌شدن می‌شود. خبرگزاری مهر. <https://www.mehrnews.com/news/4899888>

خانعلی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۵). اروپا ۲۰۳۰؛ آینده‌پژوهی ساختار اتحادیه اروپا. تهران: سخنوران.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۴). اصول و مبانی روابط بین‌الملل (جلد اول). تهران: سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۵). اصول و مبانی روابط بین‌الملل (جلد دوم). تهران: سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۹). نظام بین‌الملل پسا کرونا چگونه خواهد بود؟ خبرگزاری تسنیم.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/02/15/2257040>

رضایی اسکندری، داود. تحول مفهوم دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل. فصلنامه

مطالعات راهبردی، دوره ۸ شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۴

رهبر، عباسعلی و سوری، فرزاد. دولت و مدلی امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی.

فصلنامه دولت پژوهی، سال دوم شماره ۵، بهار ۱۳۹۵

سلیمی، حسین. (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهان شدن. تهران: سمت.

سلیمی، حسین. (۱۳۹۳). نگرشی نو به تاریخ روابط بین‌الملل. تهران: دانشگاه علامه

طباطبایی.

قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین. فهم دولت - ملت در نظریه‌های روابط بین‌الملل. دانشنامه

حقوق و سیاست، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۷

کتابی، محمود و کلاتری، صمد و افشار کهن، جواد. دولت و بحران رفاه و توسعه. رفاه

اجتماعی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۴

هابرماس، یورگن. (۱۳۸۰). جهانی‌شدن و آینده‌ی دموکراسی؛ منظومه‌ی پسا ملی. ترجمه

کمال پولادی. تهران: مرکز.

(۳۱ فروردین ۱۳۹۹). فصل تغییر در حکمرانی. روزنامه شرق، شماره ۷: ۳۶۹۸.

Canada-U.S land border closes to all non-essential travel

Fukuyama, F. (1992); *The End of History and Last Man*; New York: free Press.

G. John Ikenberry, *Democracies Will Come out of Their Shell*, in *The Foreign Policy magazine*.

<https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>

Hoffmann, Stanley. (1961); *International Systems and international Law*; Princeton, N.J.: Princeton University Press.

<https://globalnews.ca/news/6711194/canada-us-border-closes/>

<https://www.businessinsider.com/chinas-coronavirus-quarantines-other-countries-arent-ready-2020-3?amp>

<https://www.nature.com/articles/d41586-020-00741-x>

- Joseph Nye. (2020); No, the Coronavirus Will Not Change the Global Order, in The Foreign Policy magazine. <https://foreignpolicy.com/2020/04/16/coronavirus-pandemic-china-united-states-power-competition/>
- Kishore Mahbubani, A More China-Centric Globalization, in The Foreign Policy magazine. <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>
- Krasner, S. (2001); "Globalization Power and Authority", in American Political Science Association Annual Meeting; San Francisco, August/ September.
- Methods China took to control the Coronavirus may not work for the US, in The Businessinsider
- Stephen M. Walt, A World Less Open, Prosperous, and Free, in The Foreign Policy magazine. <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>
- What China's coronavirus response can teach the rest of the world, in The Nature
- Wilson, P. H. (2009). The Thirty Years War: Europe's Tragedy. London: Harvard University press.